

*Bi-Quarterly specialized-scholarly
journal Of Quranic Studies Light
of Revelation Vol. ۱, No. ۱,
Spring & summer ۲۰۱۵
P ۵ - ۴۰*

دو فصل نامه علمی-تخصصی
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی
س ۱ ش ۱ بهار و تابستان ۱۳۹۴
صفحات ۵ تا ۴۰

بررسی تحریف کتاب مقدس از منظر قرآن

محمد نذیر اطلسی*

چکیده

نوشتار حاضر پیرامون یکی از موضوعات مهم و روز، تحت عنوان «بررسی ادله قرآنی و تحریف لفظی عهدین» پرداخته است و قطع نظر از اینکه دلیل دیگری بر تحریف لفظی آن وجود دارد یا خیر. در این نوشتار نخست مطالبی در مورد عهدین به عنوان مقدمه بیان گردیده و سپس آیات تحریف را بیان و برداشت‌های تفسیر نگاران را جستجو و احتمال تحریف لفظی تورات و انجیل را نقد و بررسی و مورد مناقشه قرار داده است و به این نتیجه می‌رسد که آیات تحریف، به هیچ وجه دنبال اثبات تحریف لفظی عهدین نیست تا اینکه نتیجه تحریف را دنبال داشته باشد؛ و در مجموع، آیات صریح نداریم که دلالت بر تحریف اصطلاحی داشته باشد. افزون بر آن در قرآن آیاتی یافت می‌شود که آن‌ها درست مقابل آیات تحریف قرار گرفته و تورات و انجیل را نور و هدایت‌گر معرفی می‌نمایند، در پایان به این نتیجه رهنمود می‌سازد که آیات ذیل الذکر اهداف دیگری غیر از تحریف لفظی را دنبال دارد.

واژگان کلیدی: قرآن، تحریف، تورات، انجیل، کتاب مقدس

*. دانش پژوه دکتری تفسیر تطبیقی-مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره)-

مقدمه

بیان آیات ذیل به این منظور است که در اندیشه بسیاری از قرآن پژوهان و مفسران اعم از شیعه و سنی این نکته وجود دارد که تورات و انجیل دست‌خوش تحریف لفظی شده است؛ بنابراین تورات و انجیلی که در کتاب مقدس فعلی وجود دارد تحریف یافته است. این گروه برای اثبات مدعای خویش به آیاتی چند از قرآن مجید استدلال کرده‌اند و نتیجه گرفتند که کتاب مقدس (عهدین) تحریف لفظی گشته است، درعین‌حال در مقابل این آیات که ذکرشان خواهد آمد آیات بسیار زیادی که قرآن مجید، در این آیات، کتب مذکور را هدایت‌گر برای مردم یادکرده است و نیز از اهل کتاب عمل به آن را خواسته است. افزون بر آن این دو کتاب را در برخی آیات در ردیف قرآن نام‌برده است.^۱ این آیات نشانگر عدم تحریف تورات و انجیل حتی در موارد جزئی خواهد بود، چون تحریف حتی جزئی اگر در تورات راه پیدا کند دیگر این دو کتاب قابل استناد نه خواهد بود؛ و این مطلب با آیات ذیل الذکر سازگاری ندارد. لذا بر ما است که در دلالت ادله قرآنی قائلین به عهدین (تورات و انجیل) را بیشتر دقت و مورد کنکاش قرار دهیم و دریابیم که مسئله از چه قرار است. البته مخفی نماند، وظیفه اصلی پژوهش در بررسی ادله قرآنی نظریه تحریف لفظی عهدین را بر عهده دارد و دنبال اثبات یا رد دلیل دیگری بر نظریه تحریف لفظی عهدین نیست.

۱. «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقٌّ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه/۱۱۱)

کتاب مقدس

کتاب‌ها و نوشته‌های که در باور و عقیده مسیحیان مقدس به حساب می‌آید آن را کتاب مقدس می‌گویند. کتاب مقدس منبع دست‌اول برای بنیاد مسیحیت است. نام رایج برای نوشته‌های مقدس مسیحیت در زبان‌های اروپائی (Bioble) است که به معنای کتاب است.

اندیشمندان مسیحی کتاب مقدس را به دو بخش تقسیم می‌کنند.

(۱). عهد عتیق: (AncinTestament)

(۲). عهد جدید: (MovveavTestament)

(Bioble) هر دو عهد، عتیق و جدید تشکیل می‌شود و هر دو عهد در ادامه حیات سنت مسیحی تأثیر دارند هرچند یهودی‌ها، عهد جدید (را قبول ندارند کتاب مقدس آن‌ها فقط عهد عتیق است).

عهد عتیق

عهد عتیق که کتاب مقدس ملت یهوداست و به کتاب مقدس عبری نیز نامیده می‌شود در کتاب مقدس یهودی آمده است، عهد یا مترادفش پیمان به رابطه‌ای که خدا با مردم برقرار کرده است اشاره می‌کند. مبشر قدیمی مسیحی پولس مؤمنان مسیحی را (اعضای عهد جدید) می‌خواند و کتاب‌های موسی (کتاب مقدس) یهودی را عهد عتیق می‌نامد این اصطلاح در کتاب آرمیا (۳۱:۳۱) این‌چنین آمده: «اینک ایامی می‌آید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد تازه خواهم بست.»^۱ عهد عتیق یا قدیم از قسمت‌های متعددی تشکیل یافته است که به‌طورکلی این نوشته‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد.

الف) تورات

این قسمت به نام اسفار خمسه یا (پینتاتیوک)^۲ معروف است نام این اسفار به شرح ذیل است.

^۱. رابرت ای وان وورست، مسیحیت از لابه‌لای متون، ص ۴۰.

^۲. کلمه یونانی است و یونانی‌ها مجموعه این کتاب را پنتا تیوک می‌نامند.

۱. سفر آفرینش ۲. سفر خروج ۳. سفر لاویان ۴. سفر اعداد ۵. سفر تثئیه

ب) نبوئیم

قسمت دیگر این نوشته‌ها نبوات هفده‌گانه یا مجموعه کتاب‌های پیامبران بنی‌اسرائیل معروف است.

ج) کتویم

این بخش از کتاب شامل آثار نویسندگان یهودی است که درزمینه تاریخ تحولات اجتماعی و عقیدتی یهودیان پس از ارتحال حضرت موسی (ع) آورده شده است و این بخش بانام (کتاب تاریخ و داوری) نیز یادکرده‌اند.^۱

تذکر لازم

این نکته قابل ذکر است که جملگی این کتاب‌ها نزد تمام فرقه‌های یهود مقدس، آسمانی و مقبول نیستند چنانچه سامری‌ها فقط اسفار خمره حضرت موسی (ع)، کتاب یوشع نبی و کتاب قضاات بنی‌اسرائیل را معتبر می‌دانند و سایر بخش‌های عهد عتیق نزد آنان اعتباری ندارد. همچنین یهودیان عرب‌زبان از عهد عتیق فقط نسخه سبعینی را قبول و مقدس می‌دانند و مسیحیان مجموعه عهد عتیق را مقدس می‌پندارند.^۲

عهد جدید

واژه جدید بر اساس مسیحیان قدیم مبنی بر اینکه خدا در عیسی به شیوه تازه‌ای برای نجات عمل کرده است، دلالت می‌کند.^۳ عهد جدید یعنی پیمان تازه است که در رساله اول به قرینتیان ۲۵:۱۱ آمده است. «و همچنین (عیسی) پیاله را نیز بعد از شام (گرفت) و گفت: این پیاله عهد جدید است در خون من» رساله اول به قرینتیان (۲۵:۱۱)

^۱. کامل خیرخواه، پژوهشی در آئین مسیحیت، ص ۲۶

^۲. همان ص ۲۶

^۳. رابرت ای وان وورست، مسیحیت از لایه‌لای متون، ص ۴۰

درمجموع، پیمان تازه یا عهد جدید، اصطلاحی رایج در صدر مسیحیت بود و حالا به طور رسمی به مجموعه کتاب‌های مقدس مسیحی اطلاق شده است. عهد جدید از دو قسمت تشکیل شده است؛

الف) اسفار تاریخی شامل زندگی حضرت عیسی (ع) و حواریون و انجیل‌ها می‌باشد. اناجیل یعنی «خبر خوش».

محتوای اناجیل اربعه

اناجیل اربعه هر کدام دارای محتوایی است که به شرح ذیل بیان می‌گردد.

۱. انجیل متی

داستان عیسی‌ای نجات‌بخش را به عنوان مسیح موعود اسرائیل از حاملگی مریم باکره به وسیله روح القدس تا ظهور وی بعد از رستاخیز از مردگان بیان می‌کند.

۲. انجیل مرقس

این انجیل از داستان تعمید عیسی تا رستاخیز وی سخن می‌گوید و عیسی را منجی امت‌ها (غیر یهودیان) معرفی می‌کند.

۳. انجیل لوقا

لوقا نیز عیسی (ع) را منجی امت‌ها می‌شناساند و دارای یک موضوع ثانوی درباره توجه خدا به بیچارگان است. به خاطر بودن ساختار و محتوای موازی این سه انجیل به (هم دید) مشهورند.

۴. انجیل یوحنا

داستان عیسی به عنوان پسر جاودان و الهی خدا است که به زمین آمده تا جلال خدا را در حیات، مرگ و رستاخیزش از مردگان نشان دهد. پس از اناجیل اربعه اعمال رسولان است.

ب) نوشته‌هایی درباره اصول عقاید و اندیشه‌های مسیحیت است که از سوی رهبران کلیسا به کلیساهای مختلف نوشته شده است.

ادله قرآنی، نظریه تحریف لفظی عهدین

یکی از ادله مستدلین به تحریف لفظی عهدین آیات قرآنی بیان شده است و قائلین به این دیدگاه به منظور اثبات ادعای خود آیاتی چند از قرآن مجید نیز آورده‌اند که دلالت این آیات را در ذیل بیان و موردنقد و بررسی قرار می‌دهیم تا درستی و سقم دلیل قرآنی نظریه تحریف لفظی عهدین معلوم گردد.

دلیل اول

کسانی که قائل به تحریف کتاب مقدس شده‌اند یکی از ادله قرآنی آنان آیه ۴۱ سوره مائده است که در آن این چنین آمده است؛ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۱ ای پیامبر، کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند، تو را غمگین نسازند [چه] از آنان که با زبان خود گفتند: «ایمان آوردیم» و حال آنکه دل‌هایشان ایمان نیاورده بود و [چه] از یهودیان: [آنان] که [به سخنان تو] گوش می‌سپارند [تا بهانه‌ای] برای تکذیب [تو بیابند] و برای گروهی دیگر که [خود] نزد تو نیامده‌اند، خبرچینی [جاسوسی] می‌کنند، کلمات را از جاهای خود دگرگون می‌کنند [و] می‌گویند: «اگر این [حکم] به شما داده شد، آن را بپذیرید و اگر آن به شما داده نشد، پس دوری کنید.» و هر که را خدا بخواهد به فتنه درافکند، هرگز در برابر خدا برای او از دست تو چیزی بر نمی‌آید. اینان‌اند که خدا نخواست دل‌هایشان را پاک گرداند. در دنیا برای آنان رسوایی و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود.

توضیح مطلب

بسیاری از مفسرین و مترجمین قرآن در تفسیر و ترجمه این جمله «يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ مِنْ

بَعْدَ مَوَاضِعِهِ» فرموده‌اند: این جمله تحریف در تورات از سوی برخی از یهودیان دلالت دارد و گفته‌اند آنان رجم زانی و زانیه که حکم تورات بود به چهل شلاق تغییر دادند.^۱ وقتی کلمات مفسرین را در مورد آیه می‌نگریم احتمالات عدیده‌ای در قبال آن مطرح گردیده است که در ذیل این احتمالات را برمی‌شماریم و سپس خواهیم دید که کدام احتمال در تفسیر آیه از سازگاری بیشتری برخوردار است.

برداشت‌های تفسیری از آیه

- ۱- «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ» (حيث وضعوا الجلد مكان الرجم) یعنی جلد را به جای رجم قرار دادند، بنابراین مراد از تحریف، تحریف رجم به جلد است.
- ۲- مقصود این است که احبار یهود به اذنباشان گفته بودند که اگر محمد (ص) با کلمات محرف و مزیف فتوای دهد از شما قبول کنید والا قبول نکنید.^۲ (اگر بر اساس خواسته‌های ما فتوای دهد از شما بگیری در غیر این صورت حرفش قبول نکنید.)
- ۳- مراد از «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ» تأویل نمودن به باطل است؛^۳ یعنی مقصود تحریف معنوی است.
- ۴- مراد از تحریف به معنای دور کردن و کنار زدن از موضع و مقام خود است و این معنی اعم از این است که تحریف در جهت الفاظ باشد یا در مفاهیم و معانی آن‌ها و به‌عنوان تأویل و تفسیر و این غیر از معنای تبدیل و تغییر است.^۴

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۳ ص ۳۰۲؛ ابوعبدالله محمد بن عمر فخرالدین الرازی، مفاتیح

الغیب ج ۱۱ ص ۳۶۰؛ محمدجواد مغنیه، تفسیر الکاشف، ج ۳ ص ۵۸؛ سید محمدابراهیم

بروجردی، تفسیر جامع، ج ۲ ص ۲۱۴.

۲. محمدجواد مغنیه، تفسیر الکاشف، ج ۳ ص ۵۸؛ نصرت امین بانوی اصفهانی، مخزن العرفان، ج ۴ ص

۳۱۱؛ محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵ ص ۳۳۹؛ ابوعبدالله محمد بن عمر

فخرالدین الرازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۱ ص ۳۶۰.

۳. محمد هدیدی بغدادی، التفسیر المعین للواعظین ص ۱۱۴؛ سید محمدتقی مدرسی، من هدی القرآن، ص

۳۷۶؛ محمد بن علی شوکانی، فتح القدیر، ج ۲ ص ۴۸؛ ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان،

ج ۵ ص ۷۶؛ سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، ج ۲ ص ۶۷۵.

- ۵- مراد از «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ» تحریف قصاص به دیه است.^۲
- ۶- تورات را عوض می‌کردند و حلال را حرام و برعکس می‌نوشتند.^۳
- ۷- مقصود از تحریف، تحریف اعم از تورات حتی سخنان پیامبر (ص) از سوی یهودیان است.^۴
- ۸- مقصود از تحریف، تحریف اصطلاحی است چون در تورات زیاده و نقیصه می‌کردند.^۵ و بدین گونه تورات را تبدیل می‌کردند.

نقد و بررسی

هنگامی که به این احتمالات که در تفسیر آیه داده شده می‌نگریم این نتیجه را دنبال دارد که لااقل از «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ» تحریف اصطلاحی مراد نیست. چون معنای اصطلاحی (زیاده و نقیصه) با سیاق و شأن نزولی که برای این آیه بیان شده سازگاری ندارد. ممکن است در میان این احتمالات باید گفت، این است که وجهی را مقدم بداریم که در آن مقصود از «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ» تأویل به باطل بیان شده بود و این درست همان تحریف معنوی رامی نشانده. جزء احتمال آخر سایر احتمالات نیز که از سوی برخی از تفسیر نگاران بیان شده است با تحریف معنوی همخوانی دارد و هیچ گونه ستیزی با تحریف معنوی ندارد افزون بر آن شأن نزولی که از طریق شیعه و سنی با تفاوت‌های اندکی نقل شده که در آن (شأن نزول) پرسش و پاسخی که میان پیامبر اسلام و ابن‌صور یا (یکی از اندیشمندان یهود) رخ داد او نیز حکم

۱. مصطفوی حسن، تفسیر روشن، ج ۷ ص ۷۴؛ ملا فتح‌الله کاشانی، زبدة التفاسیر، ج ۲ ص ۲۵۹؛ عبدالله

ابن عمر بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التاویل، ج ۲ ص ۱۲۷؛ بروسوی اسماعیل حقی، تفسیر روح البیان، ج ۲ ص ۳۹۴.

۴. ابراهیم عاملی، تفسیر عاملی ج ۳ ص ۲۸۵؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان ج ۳ ص ۳۰۲؛ ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان ج ۶ ص ۱۵۰.

۳. ابراهیم عاملی، تفسیر عاملی ج ۳ ص ۲۸۰.

۴. سید محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم ج ۳ ص ۴۵.

. عبدالرحمن بن محمد ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم ابن ابی حاتم، ج ۳ ص ۹۶۵؛ ناصر مکارم

شیرازی، تفسیر نمونه ج ۴ ص ۴۰۴.

رجم را که در تورات آمده بود تأیید کرد.^۱ تأیید ابن صور یا نشان می‌دهد لاقلاً برخی از یهودی‌ها آیات تورات را تحریف نکرده‌اند و با نوعی تأویل هرچند باطل از پذیرش رجم محض سرباز زده و به حد تازیانه را عمل کرده‌اند. این مطلب را حدیثی که از منابع تفسیری اهل سنت نقل شده تأیید می‌نماید که در آن عبدالله بن سلام در برابر گروهی از یهود که رجم زناکار منکر بودند به تورات استناد کرد و با آوردن آیه رجم وجود حکم رجم زناکار محض در تورات را اثبات کرد. از اینجا به خوبی روشن می‌شود تحریفی را که قرآن بیان نموده است حداقل تحریف لفظی مراد نیست و ممکن است مراد از تحریف همان تأویل به معنای دلخواه و تفسیر از تورات باشد که یهود این کار را می‌کردند.

دلیل دوم

برخی دیگر از مفسرین و قرآن‌پژوهان برای اثبات تحریف اصطلاحی کتاب مقدس آیه ۴۶ سوره نساء استدلال کرده‌اند در این آیه این چنین آمده است: «مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَ أَسْمِعْ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَ رَاعِنَا لِيَا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَ طَعْنًا فِي الدِّينِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ أَسْمِعْ وَ أَنْظِرْنَا لَكُنْ خَيْرًا لَهُمْ وَ أَقْوَمَ وَ لَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا»^۲ برخی از آنان که یهودی‌اند، کلمات را از جاهای خود برمی‌گردانند و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین [اسلام، با درآمیختن عبری به عربی] می‌گویند: «شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو [که کاش] ناشنوا گردی.» و [نیز از روی استهزا می‌گویند]: «را عنا» [که در عربی یعنی: به ما التفات کن، ولی در عبری یعنی: خبیث ما] و اگر آنان می‌گفتند: «شنیدیم و فرمان بردیم و بشنو و به ما بنگر»، قطعاً برای آنان بهتر و درست‌تر بود، ولی خدا آنان را به علت کفرشان لعنت کرد، در نتیجه جز [گروهی] اندک ایمان نمی‌آورند.

برداشت‌های تفسیری از آیه

گروهی از تفسیر نویسان از آیه یاد شده تحریف اصطلاحی را نتیجه گرفتند ولی هنگامی که به سایر کتب تفسیری بنگریم در آن برای این آیه تفاسیر عدیده‌ای عرضه شده است. وقتی احتمالات زیادی در تفسیر این آیه مطرح باشد با یقین نمی‌توان گفت مراد از تحریف، تحریف اصطلاحی که زیاده و نقیصه را برمی‌تابد، بوده باشد.

۱. سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲ ص ۳۰۰

۲. نساء/۴۶.

احتمالات زیادی از سوی مفسرین در آیه فوق مطرح گردیده است که اینک به برخی از آنان اشاره می‌گردد.

۱. مراد از «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» تحریف لفظی تورات است.^۱
۲. اوصاف پیامبر اسلام (ص) که در تورات وجود دارد را کتمان و یا جابجا می‌کردند.^۲
۳. آیات موجود در تورات را به صورت نادرستی تأویل و تفسیر می‌کردند و این همان تحریف معنوی تورات است که برخی از یهودی‌ها این کار را روا می‌داشتند.^۳
۴. احتمال هم هست که منظور از «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» سوءاستفاده یهود از واژه‌هایی است که به کار می‌برند. آن‌ها بازی با کلمات مسلمانان و پیامبر اسلام (ص) را مسخره می‌کردند و قصد توهین داشتند؛^۴ و کلمه (را عنا) در زبان عربی ما را رعایت کن است و مسلمانان با خطاب به پیامبر (ص) این کلمه را بسیار تکرار می‌کردند و یهودی‌ها نیز این کلمه را به پیامبر اسلام (ص) می‌گفتند ولی این کلمه در زبان عبری معنای زشتی داشت و آن‌ها همان معنای بد کلمه را نظرمی گرفتند.^۵

نقد و بررسی

وقتی کلمات مفسرین را که در راستای تفسیر این آیه ایراد شده است، کنار هم بگذاریم جزء یک معنا بر تحریف اصطلاحی دلالت ندارد، درحالی‌که به نظر می‌رسد تفسیر

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان ج ۳ صص ۸۶-۸۵؛ یعقوب جعفری، تفسیرکوثر، ج ۲ ص

۴۵۱؛ نظام الدین حسن بن محمد نیشابوری، تفسیرغرائب القرآن و رغائب الفرقان ج ۲ ص ۴۲۲.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان ج ۳ ص ۸۵؛ اسماعیل حقی بروسوی، تفسیر روح

البیان ج ۲ ص ۲۱۶، ابوبکر عتیق بن محمد سورآبادی تفسیر سورآبادی ج ۱ ص ۴۲۱.

۳. یعقوب جعفری، تفسیرکوثر ج ۲ ص ۴۵۲؛ سیدمحمدتقی مدرسی، من هدی القرآن ج ۲ ص ۹۱؛

اسماعیل بن عمرو ابن کثیر دمشقی، تفسیر قرآن العظیم ابن کثیر ج ۲ ص ۲۸۵؛ ابوعبدالله محمدبن عمر فخرالدین الرازی، مفاتیح الغیب ج ۱۰ ص ۹۳.

. محمد حسین طباطبائی، المیزان فی التفسیرالقرآن ج ۴ ص ۳۶۵-۳۶۶؛ یعقوب جعفری،

تفسیرکوثر ج ۲ ص ۴۵۲.

۵. محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن ج ۴ صص ۳۶۵-۳۶۶.

چهارم با ظاهر آیه بیشتر سازگار است تا احتمال تحریف لفظی، چون شواهد تاریخی و روایات نیز این احتمال را مورد تأیید قرار می‌دهد؛ و در مرحله بعد امکان اراده معنای سوم (تحریف معنوی) نیز قابل انکار نیست، چنانچه در معنای مستند اول با تفصیل گذشت.

برای ارجحیت تفسیر چهارم می‌توان روایتی از امام موسی بن جعفر علیهما السلام که در التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام در ذیل تفسیر این آیه نقل شده است، به عنوان مؤید بیان کرد.^۱ در آن نقل نیز تقریباً به این مطلب اشاره رفته که کلمه (راعنا) را مسلمانان به رسول خدا (ص) می‌گفتند و منظورشان این بود که مراقب و متوجه ما باش؛ اما یهود از آن معنای زشتی را اراده می‌کردند چون کلمه (راعنا) را آن‌ها بجای از ماده (رعی) بگیرند از ماده (رعونت) می‌گرفتند و معنای آن (ما را احمق کن) می‌شد را اراده می‌کردند؛ و بدین طریق پیامبر و اصحابش را شتم و مورد تمسخر قرار می‌دادند و می‌گفتند که ما قبلاً در نهان و سری پیامبر اسلام را شتم می‌کردیم حالا با این‌گونه کلمات وی را آشکارا و علنی می‌توانیم مورد شتم و تمسخر قرار دهیم؛ بنابراین آیه مذکور نازل گردید.

دلیل سوم

از جمله آیاتی که برای تحریف اصطلاحی کتاب مقدس استناد شده آیه ۱۳ سوره مائده است که در آن چنین آمده: «فَمَا نَقْضُهمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۲ (پس به [سزای] پیمان شکستیشان لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم. [به‌طوری‌که] کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده‌شده بودند به فراموشی سپردند؛ و تو همواره برخیا نیتی از آنان آگاه می‌شوی، مگر [شماری] اندک از ایشان [که خیانت‌کار نیستند]. پس از آنان درگذر و چشم‌پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.) به باور برخی مفسران، جمله «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» ظهور در تحریف تورات از سوی برخی از یهودیان دارد اما دقت در سایر کلمات مفسرین به این نتیجه می‌رسیم که این آیه

^۱. سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن ج ۲ ص ۸۶.

. مائده/۲.۱۳.

نیز مثل آیات فوق بر تحریف لفظی هیچ‌گونه ظهوری ندارد، چراکه از آیه برداشت‌های متفاوتی به چشم می‌خورد.

برداشت‌های تفسیری از آیه

- در تفسیر آیه برداشت‌های متفاوتی بیان شده اینک به برخی از این‌ها اشارت می‌رود.
۱. مراد از «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ» «می‌گردانند سخنان تورات را که نعت حضرت رسالت ماثب (ص) از جمله آن است و مراد از «عَنْ مَوَاضِعِهِ» از جای‌های آن حکم تورات را مؤول می‌گردانند به تأویلات فاسده.^۱
 ۲. برخی از آیه، تحریف لفظی تورات را فهمیده‌اند به این معنی که از کلام خدا هرچه که خوشایندشان نبود انداختند و چیزهای که دلشان می‌خواست از پیش خود اضافه کردند و یا کلام خدا را جابجا نمودند.^۲
 ۳. بعضی (میثاق) را ماجرای غدیر، (تحریف) را گرفتن حق امام علی (ع) و واژه (کلم) را امام علی علیه‌السلام تفسیر کرده‌اند.^۳
 ۴. بیشتر مفسرین تحریف را به معنای تأویل و تحریف معنوی گرفتند^۴ یعنی آن را طوری تفسیر می‌کردند که صاحب‌کلام آن معنی را در نظر نه داشت. (ای یفسرون علی غیر ما انزل)^۱

۲. ملافتح الله کاشانی، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین ج ۳ ص ۲۰۵، فضل بن حسن

طبرسی، مجمع‌البیان ج ۳ ص ۲۶۸.

۲. محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵ ص ۲۴۱؛ سید محمد حسینی شیرازی،

تبیین القرآن ج ۱ ص ۱۲۱؛ سید محمد حسین حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۴ ص ۳۷۸؛

مترجمان، تفسیر هدایت، ج ۲ ص ۲۸۸.

. ملافتح الله کاشانی، البرهان فی تفسیر القرآن فی الزام المخالفین، ج ۲ ص ۲۶۳؛ علی بن ابراهیم

قمی، تفسیر قمی، ج ۱ ص ۱۶۳.

۱. ابو عبدالله محمد بن عمر فخرالدین الرازی، مفاتیح الغیب ج ۱۱ ص ۳۲۵؛ ابوالحسن علی بن

محمد طبری کیه‌راسی، احکام القرآن کیه‌راسی ج ۳ ص ۶۰؛ مترجمان، تفسیر هدایت ج ۲ ص

۲۸۸؛ رضا خانی/حشمت الله ریاضی، ترجمه بیان السعادة فی مقامات العبادۃ ج ۴ ص ۳۰۰

و تفاسیر دیگر.

۵. مراد از تحریف کتمان آیات مربوط به ظهور پیامبر اسلام که در تورات بود.^۲
۶. برخی مفسرین گفته‌اند: یهود هم تحریف لفظی می‌کردند و هم تحریف معنوی.^۳
۷. تحریف یهود با سوء تأویل بوده است،^۴ نه تحریف لفظی؛ زیرا آن‌ها قادر به تحریف لفظی نبوده‌اند و این قول ابن عباس است.^۵
۸. فهم یهود، فهم فاسدی بود لذا در آیات خدا تصرف نموده و آن را بر (غیر ما انزل الله) تأویل می‌کردند.^۶
۹. تحریف یهود یا با تبدیلی نعت و صفت نبی مکرم اسلام (ص) و یا با سوء تأویل بوده است.^۷

نقد و بررسی

در میان این احتمالات ممکن است برخی از این تفاسیر را به برخی دیگر ارجاع داد ولی به خاطر اهمیت مسئله سعی شده مطالب بدون تغییر بیان گردد. چنانچه مشاهده گردید در میان تفاسیرهای متفاوت تنها احتمالات اندکی بود که بر تحریف لفظی دلالت داشت و اکثر تفاسیر دیگر ربطی به تفسیر لفظی ندارد افزون بر آن در

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان ج ۳ ص ۲۶۸؛ محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵ ص ۲۴۱؛ علی بن محمد علی دخیل، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز ج ۱ ص ۱۴۳.
۲. یعقوب جعفری، تفسیر کوثر ج ۳ ص ۹۴.
۳. احمد بن محمد ابن عجیبه، البحرالمدید فی تفسیر قرآن المجید، ج ۲ ص ۲۴۱؛ محمد بن یوسف اندلسی ابوحیان، البحرالمحیط فی التفسیر، ج ۴ ص ۲۰۵؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۳ ص ۲۶۸.
۴. محمد بن طاهر ابن عاشور، التحریر والتنویر، ج ۵ ص ۶۲.
۵. ابوحیان محمد بن یوسف اندلسی، البحر المحیط فی التفسیر، ج ۴ ص ۲۰۵.
۷. اسماعیل بن عمرو ابن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر، ج ۳ ص ۶۰؛ وهبه بن مصطفى زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیده والشریعه والمنهج ج ۶ ص ۱۲۵.
۷. حقی بروسوی اسماعیل، تفسیر روح المعانی ج ۲ ص ۳۶۵.

تفسیر هفتم از ابن عباس نقل شده است که می‌فرماید: اینجا مراد از تحریف سوء تأویل است و یهود قدرت بر تحریف لفظی را ندارند و اکثر مفسرین احتمال چهارم که به معنای تأویل و تفسیر (هرچند باطل) است را قائل شده‌اند. چنانچه فخر رازی در تفسیر خود در ذیل این آیه نخست احتمال هر دو نوع تحریف (لفظی و معنوی) را بیان و سپس احتمال (تفسیر و تأویل) که همان تحریف معنوی است را اولویت قائل شده است.^۱ یهود گویا عادتشان بود که هر کلامی را از معنای صحیح خود دور می‌گردانند و بدان معنی دیگر می‌دهند.

با توجه به مطالب فوق آیه مذکور نیز برای نظریه تحریف کتاب مقدس مستندی نه خواهد بود.

دلیل چهارم

برخی مفسرین از آیه ۷۵ سوره بقره نتیجه گرفتند که این آیت بر تحریف تورات دلالت می‌کند، چون گروهی از یهود سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از درک و فهم آن را تحریف می‌کردند لذا می‌فرماید: «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»^۲ آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند؟ بآنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند، سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند و خودشان هم می‌دانستند.

برداشت‌های تفسیری از آیه

این آیه نیز برای استدلال به تحریف لفظی تورات آورده شده است، درحالی‌که در تفسیر این آیه نیز احتمالات گوناگونی از سوی تفسیر نگاران و قرآن‌پژوهان اعم از شیعه و سنی مطرح گردیده است. برخی از این احتمالات به شرح ذیل است.

^۱. ابو عبدالله محمد بن عمر فخرالدین الرازی، مفاتیح الغیب ج ۱۱ ص ۳۲۵

^۲. بقره/۷۵.

۱. مراد از جمله «يُحَرِّفُونَهُ» این است که اسلاف یهود (هفتاد نفر برگزیده حضرت موسی ^(ع)) کلام الله را از زبان نبی شان موسی (ع) در طور سینا می شنیدند و باوجود فهم اوامر و نواهی خدا آن ها را مطابق امیالشان تأویل و تفسیر می کردند.^۱
۲. مراد از «يُحَرِّفُونَهُ» کلام خدا با موسی (ع) در طور تحریف گران هفتاد برگزیده موسی (ع) هستند و تحریف هم لفظی است.
۳. مراد از (کلام الله) تورات است و تحریف گران یهودیان عصر قرآن و تحریف هم به شکل معنوی است. چون حلال را حرام و حرام را حلال جلوه می دادند.^۲
۴. مراد از (کلام الله) تورات است و تحریف گران دانشمندان یهودند که حلال را حرام و حرام را به حلال تغییر می دادند و اگر کسانی به آنان رشوه دهند مطابق آنان و در خدمت و حمایت آنان می شتافتند.^۳
۵. منظور از (کلام الله) اوصاف پیامبر (ص) است که در تورات ذکر شده و یهود آن را کتمان می کردند.^۴

نقد و بررسی

کلام در تفسیر این آیه میان تفسیر نگاران زیاد است، ولی ما آنچه را که با اسناد تاریخی و اسباب نزول و ظاهر آیه سازگارتر بود بیان نموده ایم بر اساس احتمالات یادشده تنها یک تفسیر است که می گوید: یهودی ها در تورات تحریف لفظی می کردند؛ اما سایر احتمالات این نتیجه را نمی دهد و آن احتمالی هم که تحریف لفظی را بیان می کند، از جهاتی با نشانه ها و شواهدی که در تفاسیر آمده همخوانی ندارد زیرا که در آیه واژه

۳. ارشادالاذهان الی تفسیرالقرآن ج ۱ ص ۱۷؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱ ص

۲۸۵؛ محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، تفسیرکنزالدقائق وبحرالغرائب ج ۲ ص ۵۸.

۱. محمد بن حبیب الله سبزواری نجفی، ارشادالاذهان الی تفسیرالقرآن، ج ۱ ص ۱۷، علی

رضا ذکاوتی قراقرلو، اسباب النزول، ترجمه ذکاوتی ج ۱ ص ۲۰.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان ج ۱ ص ۲۸۵.

. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان ج ۱ ص ۲۸۵؛ فضل بن حسن طبرسی، تفسیر جوامع الجامع،

ج ۱، ص ۵۶.

«یسمعون» آمده و این کلمه نشان می‌دهد آنچه تحریف شده تورات مکتوب نبوده است. چنانچه مقاتل گفته: کسانی که کلام خدا را شنیدند گفتند خداوند ما را در عمل مخیر نموده اگر خواهیم بکنیم و اگر خواهیم نکنیم و مقصود از تحریف همین است.^۱ افزون بر آن بعض مفسران در شأن نزول آیه از امام باقر علیه السلام چنین نقل کرده‌اند: «گروهی از یهود که دشمنی با حق نداشتند هنگامی که مسلمانی را ملاقات می‌کردند از آنچه در تورات پیرامون صفات پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم آمده بود به آن‌ها خبر می‌دادند، بزرگان یهود از این امر آگاه شدند و آن‌ها را از این کار نهی کردند و گفتند شما صفات محمد (ص) را که در تورات آمده برای مسلمانان بازگو نه کنید تا در پیشگاه خدا دلیلی بر ضد شما نداشته باشند؛ آیات فوق نازل شد و به آن‌ها پاسخ گفت.»^۲ و این مطلب نشان می‌دهد که در تورات در مورد صفات پیامبر (ص) مطالب وجود داشت و بزرگان یهود از بازگو کردن این مطالب ممنوعیت می‌کردند و این ربطی به تحریف اصطلاحی ندارد.

دلیل پنجم

«وَإِنْ مِنْهُمْ لَفَرِيقٌ يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمُ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»^۳ و از میان آنان گروهی هستند که زبان خود را به [خواندن] کتاب [تحریف شده‌ای] می‌پیچانند تا آن [برافته] را از [مطالب] کتاب [آسمانی] پندارید، با اینکه آن از کتاب [آسمانی] نیست و می‌گویند: «آن از جانب خداست»، در صورتی که از جانب خدا نیست و بر خدا دروغ می‌بندند، با اینکه خودشان [هم] می‌دانند.

از مجموع آیاتی که مستند نظریه تحریف کتاب مقدس قرار گرفته آیه فوق است برخی از تفسیر نگاران با این آیه خواستند تحریف تورات و انجیل را اثبات نمایند در حالیکه می‌توان برداشتهای گونا گونی را از این آیه ارایه داد.

۱. سیدنصرت امین بانوی اصفهانی، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۱ ص ۳۷۵.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱ ص ۳۱۲-۳۱۳.

۳. آل عمران/۷۸.

برداشت‌های تفسیری از آیه

دیدگاه‌های متفاوتی در ذیل آیه بیان گردیده است برخی از این برداشته‌ها به شرح ذیل بیان می‌گردد.

- ۱- این آیه درباره گروهی از علماء یهود نازل شده که با دست خود چیزهایی برخلاف آنچه در تورات آمده بود درباره صفات پیامبر (ص) می نوشتند و آن را به خدا نسبت می دادند و نوشته های خود را گونه ای قرائت می کردند، چنانچه با آن لحن تورات را قرائت می کردند و دیگران آن را کتاب خدا تصور می کردند در حالی که از کتاب خدا نیست.^۱
- ۲- یهودیان از تورات تحریف نمی کردند بلکه از خود مطالب را اختراع می کردند.
- ۳- اهل کتاب با تغییر و تبدیل کتابشان را تحریف می کردند و این تحریف هم لفظی بوده است.^۲
- ۴- برخی از یهودیان تورات را با برداشته های نادرست خویش تفسیر می کردند و با این کار معنای آن را تغییر می دادند و این همان تحریف معنوی است.^۳ بخاری از ابن عباس نقل می کند که خلق الله نمی تواند لفظی را از کتابهای آسمانی زائل نمایند.^۴

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان ج ۲ ص ۷۸۰؛ فضل بن حسن طبرسی، جوامع الجامع ج ۱ ص ۱۸۵؛ محمد بن طاهر ابن عاشور، التحریر والتنویر، ج ۳ ص ۱۳۷؛ عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱ ص ۳۵۷؛ محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳ ص ۲۶۶؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ج ۲ ص ۶۲۹؛ عبدالرحمن بن محمد ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم ابن ابی حاتم، ج ۲ ص ۶۸۹؛ محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲ ص ۵۰۸؛ ابوالفرج عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۱ ص ۲۹۷، تبیین القرآن، ج ۱ ص ۱۷.

۲. رضا خانی / حشمت الله ریاضی، ترجمه بیان السعاده فی مقامات العبادۀ ج ۳ ص ۳۰۲.

۳. محمد جواد مغنیه، تفسیر الکاشف ج ۲ ص ۹۴.

۴. اسماعیل بن عمرو ابن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم (اب کثیر)، ج ۲ ص ۵۶.

نقد و بررسی

از جمله برداشتهای که در مورد آیه فوق بیان شد تنها یک برداشت از تحریف لفظی سخن گفت و دیگر برداشت ها ربطی به تحریف اصطلاحی ندارد و احتمال نخست با ظاهرایه بیشتر سازگاری دارد چون یهودیان برای تامین هوایج دنیوی از این کارها را معمولاً انجام می دادند و قرآن مجید در جای دیگر از این کارهای یهود سرزنش نموده است چنانچه می فرماید:

«فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ»^۱ (پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف شده ای] با دستهای خود می نویسند، سپس می گویند: «این از جانب خداست» تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند پس وای بر ایشان از آنچه دستهایشان نوشته و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می آورند) و همچنین فرموده: «إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۲ (کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می فروشند، آنان را در آخرت بهره ای نیست و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و به ایشان نمی نگرد و پاکشان نمی گرداند و عذابی دردناک خواهند داشت). افزون بر آن روایتی است که مرحوم قمی آن را روایت کرده که یهود افترا می بستند به خدا چیزی را که در تورات نبود و می گفتند در تورات است و خداوند با این آیه آنها را تکذیب کردند.^۳ علاوه ازین در برداشت چهارم از ابن عباس روایت شده که او قائل بود، خلق الله قدرت بر تحریف لفظی در کلام الله را ندارد. و تحریف آنها از قبیل تحریف معنوی می باشد.

دلیل ششم

«فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ»^۴ (پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف شده ای] با

^۱. بقره/۷۹.

^۲. آل عمران/۷۷.

^۳. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱ ص ۱۰۶.

^۴. بقره/۷۹.

دستهای خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این از جانب خداست» تا بدان بهای ناپیزی به دست آرند پس وای بر ایشان از آنچه دستهایشان نوشته و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می‌آورند.

برخی از مفسرین این آیه رامستندی برای نظریه تحریف تورات وانجیل قراردادند و آن دسته از تفسیرنویسان به جمله «يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» عنایت داشته می‌فرمایند: که این جمله حکایت از تحریف تورات از سوی یهودیان دارد. و تحریف چون اصل دین را به خطر می‌اندازد، لذا از مهم ترین معاصی به حساب می‌آید، لذا خداوند کلمه رعب آور (ویل) را سه بار تکرار نموده است؛^۱ و این مطلب نشان دهنده تحریف اصطلاحی تورات می‌باشد. ولی دقت در کلمات مفسرین احتمالات زیادی در تفسیر آیه را بر می‌تابد.

برداشت‌های تفسیری از آیه

از آنجاکه برداشت‌ها و دیدگاه‌های مفسران از آیه متفاوت بوده لازم است به برخی از آن‌ها به اندازه‌ای که مقاله اجازه می‌دهد اشاره شود.

۱- آیه دلالت بر دونوع از تحریف (لفظی و معنوی) دارد، و تحریف کنندگان برخی از علماء یهود بودند که صفات و ویژگی‌های که برای پیامبر اسلام (ص) در تورات آمده بود دچار تحریف ساختند؛ و برای مطامع زود گذر دنیا وی خویش در احکام تورات تحریف می‌کردند.^۲ تا بدین صورت مقام خود را حفظ کرده باشند.

۲- این احتمال هم داده شده است که منظور از آیه یکی از کتاب پیامبر اسلام (ص) است.^۳ آنچه را پیامبر (ص) املاء می‌فرمودند او تغییر می‌داد سپس از دین اسلام برگشت.^۴

۱. عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم ج ۵ ص ۳۱۱.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱ ص ۲۹۲؛ محمد ثقفی تهرانی، تفسیر روان جاوید، ج

۱ ص ۱۱۸؛ عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۵ ص ۳۱۱؛ سید عبدالحسین طیب، اطیب

البیان، ج ۲ ص ۷۳.

۳. عبدالله بن ابی سرح که یکی از کتاب پیامبر اسلام (ص) بود که مطالب وحی را تغییر می‌داد و بعداً
مرتد شد.

۵. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱ ص ۲۹۲؛ محمد جواد نجفی خمینی، تفسیر آسان ج ۱
ص ۱۸۲؛ آلوسی سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱ ص ۳۰۴.

- ۳- برخی از دانشمندان یهود کتابهای مخترع خودشان را به خدا نسبت می دادند و خودشان هم می دانستند که این نوشته هایشان ارتباطی به خدا ندارد، تنها می خواستند باین کار ناشایست از عوام یهود اموالی را بگیرند.^۱
- ۴- منظور آیه این است که برخی یهود چیزهای از خود می گفتند تا مسلمانان آن را از تورات بدانند و در این کار به خدا دروغ می بستند.^۲
۵. مطالب حقیقی تورات را برخی از دانشمندان یهود پنهان می کردند و دست نوشته های خود را به عنوان تورات به مردم القاء می کردند.^۳ تا بدین حربه چندصباحی ریاست خودشان را حفظ کنند.
- ۶- برخی علماء یهود مطالب واقعی تورات را با تفاسیر خود خواهانه خویش تغییر می دادند، و در آن تاویل می کردند تا حقیقت به مردم نرسد، چون در غیر این صورت وقتی مردم حقیقت را می شنیدند به طرف پیامبر اسلام (ص) می آمدند و ریاست آنها در خطر بود، لذا با تأویلات و تفسیرهای باطل مردم را دور خودشان نگه می داشتند.^۴

نقد و بررسی

هنگامی که به دیدگاههای مفسرین در مورد آیه یادشده می نگریم به این نتیجه می رسیم که از میان چندین احتمال از معنای آیه تنها یک احتمال به نظریه تحریف اصطلاحی تورات هماهنگ است، اما سایر احتمالات از این دیدگاه به دور است و هیچ گونه

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱ ص ۲۹۷؛ علی بن محمد علی دخیل، الوجیزی
تفسیر الکتاب العزیز، ج ۱ ص ۲۰؛ اسماعیل بن عمرو ابن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)،
ج ۱ ص ۲۰۵.

۲. سید علی اکبر قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ج ۱ ص ۱۷۳.

۳. میرزا علی رضا خسروانی، تفسیر خسروی، ج ۱ ص ۱۲۳.

۴. ملا فتح الله کاشانی، زبدۃ التفاسیر، ج ۱ ص ۱۷۶؛ طبری ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی
تفسیر القرآن، ج ۱ ص ۳۰۰؛ محمد صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۲ ص ۳۶؛
سید عبدالاعلی موسوی سبزواری، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن ج ۱ ص ۳۰۰؛ علی بن
محمد علی دخیل، الوجیزی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۱ ص ۲۰؛ عبدالله بن عمر بیضاوی،
انوار التنزیل و اسرار التاویل ج ۱ ص ۹۰.

سازگاری با تحریف اصطلاحی کتاب مقدس را ندارد؛ زیرا مفاد آیه این است که این گروه کتاب می نویسند و می گویند: (هذا من قبل الله) و این سخن دلالت بر تحریف لفظی تورات نمی کند شاید مقصود آیه کتاب آسمانی دیگری باشد مانند کتاب صائبی ها و یا کتاب زرتشتی و مجوس بوده باشد چون آیه کتاب خاصی را نشانه نه گرفته است و بطور اجمال بیان نموده است بر فرض اینکه آیه فوق مربوط به اهل کتاب (یهود و نصاری) باشد شاید مربوط به متون سنت آنان باشد مانند تلمود و مثنای چرا که آنان سنتشان را سنت الهی می دانند، نه اینکه کتاب تورات و انجیل مقصود بوده باشد، شاید هم بگوئیم این آیه مربوط به کارهای روز مره اهل کتاب باشد که مطالب از خود جعل می کردند و سروسورت خدایی به اش می دادند و بدین طریق متاع قلیل (منافع دنیوی) را به دست می آوردند. با توجه به مطالب فوق احتمالاتی که با واژگان و ساختار آیه بیشتر هماهنگ است همان دو اصطلاح اخیر است و در زمان ما هم کسانی هستند که تفکرات و باورهای فاسد خویش را به عنوان معارف دینی به شکل کتابها و مقالات در می آورند و مردم را به پذیرش آن مطالب فرا می خوانند و خودشان را به عنوان روشن فکر در دین قلمداد می کنند، چنانچه به این نکته رشید رضا چنین می پردازد؛

«وای و نابودی بزرگ بر دانشمندانی که کتاب می نویسند و نظریات و باورهای خویش را در کتاب می آورند، مردم را به پذیرش آن کتب فرا می خوانند، آثار خویش را سخن خدا معرفی می کنند و مردم را بی نیاز از کتاب خدا می خوانند.»^۱

با این بیان روشن شد که آیه یادشده نیز برای نظریه تحریف لفظی کتاب مقدس مستند قرار نمی گیرد. افزون بر اینکه در آیه نیز به هیچ گونه اسمی مستقیم از تورات یاد نکرده است، بنا بر این مطلب مهمی همچون تحریف کتاب مقدس بایک احتمال ثابت نمی شود، لذا این آیه را بر غیر معنای تحریف لفظی حمل کنیم مناسب تر است.

مؤید این مطلب روایتی است که از امام علی علیه السلام نقل شده و در آن روایت دارد که علماء یهود اوصافی از پیش خود برای پیامبر اسلام نوشته بودند و گمان بر آن داشتند که پیامبر آخر الزمان دارای این صفات است در حالیکه این امر خلاف حقیقت بود علماء یهود برای اینکه ریاست خویش را حفظ کنند به مستضعفان قوم خود این اوصاف را بیان می کردند و می گفتند: نبیی که دارای این صفات است پانصد سال بعد ظهور خواهد کرد با این حرفها می خواستند مردم مستضعف را از دور رسول اسلام (صلی

^۱. محمد رشید رضا، تفسیر القرآن الحکیم، ج ۱ ص ۳۶۱.

الله علیه و الله و سلم) دور نگه دارند و بدین طریق چند صباحی از ریاست و مطامع دنیوی سود ببرند^۱ امام علیه السلام در سخنان خویش هیچ اشاره ای به تورات و انجیل ننموده است.

عهدین در قرآن

می توان بعنوان نقد کلی برای مستندات فوق که برای اثبات تحریف لفظی عهدین آورده شده است، مطالب ذیل را بعنوان کرد و آن را تأییدی برای مدعای خویش دانست که آیات فوق در پی اثبات تحریف لفظی عهدین نیست و منظور دیگری را دنبال دارند.

مسلمانان باور دارند که تورات کتاب آسمانی حضرت موسی (ع) و انجیل کتاب آسمانی حضرت عیسی (ع) است؛ و هردو وحی الهی است در قرآن مجید در آیات متعددی از این دو کتاب یاد شده است. در برخی از آن آیات تورات و انجیل را نور و هدایت گر^۲ معرفی کرده است و در موارد متعدد قرآن اهل کتاب را دعوت به ارجاع تورات و انجیل نموده^۳ و عمل به احکام آن را از آنها خواستار شده است.^۴ و نیز معارف موجود در تورات را (حکم الله) قلمداد نموده^۵ و همچنین انجیل را تصدیق گر تورات^۶ و قرآن و پیامبر اسلام (ص) را تصدیق کننده تورات و انجیل^۷ بیان کرده است و از مسلمان ها می خواهد که به تمامی کتابهای آسمانی ایمان داشته باشند، لذا آن دسته از قرآن پژوهانی که آیات تحریف را دلیل و مستند برای تحریف لفظی عهدین قرار می دهند دو راه بیش ندارند، یا اینکه چشم پوشی از نظریه خود بنمایند و از آیات تحریف نتیجه دیگری بگیرند یا اینکه آیات و مستنداتی که ما در ذیل بیان می نمائیم، توجیه قابل قبولی بنمایند تا با تحریف تفصیلی و کلی ناسازگاری نداشته باشد. توجیه آیات

۱. سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱ ص ۲۵۸

۲. مائده/۴۴

۳. آل عمران/۹۳

۴. مائده/۶۸

۵. مائده/۴۳

۶. مائده/۴۶

۷. آل عمران/۳

ذیل که کم هم نیست، ممکن به نظر نمی رسد لذا ناگزیر باید قبول کرد که مستندات قرآنی مذکور برای اثبات نظریه تحریف لفظی عهدین ناکافی می باشد. می توان این آیات را در چند دسته تقسیم کرد، چون در برخی آیات فقط اسم کتاب تورات آمده و در برخی آیات دیگر اسم کتاب انجیل بیان شده است و آیات بسیاری نیز وجود دارد که در آن اسم هر دو کتاب با هم ذکر شده است. و در دسته دیگر آیات این دو کتاب در ردیف قرآن بیان شده است.

گونه اول آیات

۱-

وَ كَيْفَ يُحْكُمُونَكَ وَ عِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ مَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ^۱ و چگونه تو را داور قرار می دهند، با آنکه تورات نزد آنان است که در آن حکم خدا [آمده] است؟ سپس آنان بعد از این [طلب داوری] پشت می کنند و [واقعاً] آنان مؤمن نیستند.

۲-

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يُحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرِّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ بِمَا اسْتَحْفَظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اخْشَوْا اللَّهَ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ^۲ ما تورات را که در آن رهنمود و روشنایی بود نازل کردیم. پیامبرانی که تسلیم [فرمان خدا] بودند، به موجب آن برای یهود داوری می کردند و [همچنین] الهیون و دانشمندان به سبب آنچه از کتاب خدا به آنان سپرده شده و بر آن گواه بودند. پس از مردم نترسید و از من بترسید و آیات مرا به بهای ناچیزی مفروشید و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده اند، آنان خود کافرانند.

۳-

وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ لِأَحْلِلَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا^۳ و [می گوید: آمده ام تا] تورات را که پیش از من [نازل شده] است

۱. مائده/۴۳

۲. مائده/۴۴

۳. آل عمران/۵۰

تصدیق‌کننده باشم و تا پاره‌ای از آنچه را که بر شما حرام گردیده، برای شما حلال کنم و از جانب پروردگارتان برای شما نشانه‌ای آورده‌ام. پس از خدا پروا دارید و مرا اطاعت کنید.

۴-

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأَتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^۱ همه خوراکی‌ها بر فرزندان اسرائیل حلال بود، جز آنچه پیش از نزول تورات، اسرائیل [یعقوب] بر خویشتن حرام ساخته بود. بگو: اگر [جز این است] و راست می‌گویید، تورات را بیاورید و آن را بخوانید.

۵-

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ^۲ مَثَلِ كَسَانِي كه [عمل به] تورات بر آنان بار شد [و بدان مکلف گردیدند] آنگاه آن را به کار نیستند، همچون مَثَلِ خری است که کتاب‌هایی را بر پشت می‌کشد. [و] چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به‌دروغ گرفتند؛ و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید.

۶-

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ^۳ و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: «ای فرزندان اسرائیل، من فرستاده خدا به‌سوی شما هستم. تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید و نام او «احمد» است بشارت گرم.» پس وقتی برای آنان دلایل روشن آورد، گفتند: «این سحری آشکار است».

گونه دوم آیات

۱-

۲۸

«وَلِيَحْكُمَ أَهْلُ الْأَنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۴ و

۱. آل عمران/۹۳

۲. جمعه/۵

۳. صف/۶

۴. مائده/۴۷

اهل انجیل باید به آنچه خدا در آن نازل کرده داوری کنند و کسانی که به آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند، آنان خود نافرمان‌اند...

۲-

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَافَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ^۱ آنگاه به دنبال آنان پیامبران خود را، پی‌درپی، آوردیم و عیسی پسر مریم را در پی [آنان] آوردیم و به او انجیل عطا کردیم و در دل‌های کسانی که از او پیروی کردند رأفت و رحمت نهادیم و [اما] ترک دنیایی که از پیش خود درآوردند ما آن را برایشان مقرر نکردیم مگر برای آنکه کسب خشنودی خدا کنند، باین‌حال آن را چنان‌که حق رعایت آن بود منظور نداشتند. پس پاداش کسانی از ایشان را که ایمان آورده بودند بدان‌ها دادیم و [لی] بسیاری از آنان دستخوش انحراف‌اند.

گونه سوم آیات

۱-

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أُنْزِلَ الْتَّوْرَةُ وَ الْإِنْجِيلُ^۲ این کتاب را درحالی‌که مؤید آنچه [از کتاب‌های آسمانی] پیش از خود می‌باشد، به‌حق [و به‌تدریج] بر تو نازل کرد و تورات و انجیل را.

۲-

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلُ^۳ و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد.

۳-

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ مَا أُنْزِلَتِ التَّوْرَةُ وَ الْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ^۴ ای اهل کتاب، چرا درباره ابراهیم محاجه می‌کنید باآنکه تورات و انجیل بعد از او نازل شده است؟ آیا تعقل نمی‌کنید.

^۱. حدید/۲۷

^۲. آل عمران/۳

^۳. آل عمران/۴۸

^۴. آل عمران/۶۵

۴-

وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ^۱ و عیسی پسر مریم را به دنبال آنان [پیامبران دیگر] درآوردیم، درحالی که تورات را که پیش از او بود تصدیق داشت و به او انجیل را عطا کردیم که در آن، هدایت و نوری است و تصدیق کننده تورات قبل از آن است و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است.

۵-

وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مَنْ تَحْتَ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ^۲ و اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه از جانب پروردگارشان به سویشان نازل شده است، عمل می کردند، قطعاً از بالای سرشان [برکات آسمانی] و از زیر پاهایشان [برکات زمینی] برخوردار می شدند. از میان آنان گروهی میانه‌رو هستند و بسیاری از ایشان بدرفتار می کنند.

۶-

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»^۳ بگو: «ای اهل کتاب تا [هنگامی که] به تورات و انجیل و آنچه از پروردگارتان به سوی شما نازل شده است عمل نکرده‌اید بر هیچ [آیین بر حقی] نیستید.» و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، بر طغیان و کفر بسیاری از آنان خواهد افزود. پس بر گروه کافران اندوه مخور.

۷-

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَ عَلَى الْوَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا وَ إِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِأَذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِأَذْنِي وَ تُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِأَذْنِي وَ إِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِأَذْنِي وَ إِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ

۱. مائده/۴۶

۲. مائده/۶۶

۳. مائده/۶۸

هَذَا إِلَّا سَحَرٌ مُبِينٌ»^۱ [یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود: ای عیسی پسر مریم، نعمت مرا بر خود و بر مادرت به یادآور، آنگاه که تو را به روح القدس تأیید کردم که در گهواره [به اعجاز] و در میان سالی [به وحی] با مردم سخن گفتی و آنگاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم و آنگاه که به اذن من، از گل، [چیزی] به شکل پرنده می ساختی، پس در آن می دمیدی و به اذن من پرنده ای می شد و کور مادرزاد و پیس را به اذن من شفا می دادی و آنگاه که مردگان را به اذن من [زنده از قبر] بیرون می آوردی و آنگاه که [آسیب] بنی اسرائیل را- هنگامی که برای آنان حجت های آشکار آورده بودی- از تو بازداشتی. پس کسانی از آنان که کافر شده بودند گفتند: این [ها چیزی] جز افسونی آشکار نیست.

-۸-

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۲ همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده- که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می یابند- پیروی می کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می دهد و از کار ناپسند بازمی دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می گرداند و از [دوش] آنان قیدوبندهایی را که بر ایشان بوده است برمی دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یارایش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگاران اند.

-۹-

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سَجِدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزَّרَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»^۳ محمد (ص) پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربان اند. آنان را در رکوع و سجود می بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره هایشان است. این صفت ایشان است در تورات و مثل آنها در انجیل چون

۱. مائده/۱۱۰

۲. اعراف/۱۵۷

۳. فتح/۲۹

کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.

۱۰-

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^۱ در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند. [این] به‌عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست؛ و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است؟ پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید و این همان کامیابی بزرگ است.

بررسی

با توجه به نقد و بررسی که در آیات فوق قرار گرفت به‌خوبی درمی‌یابیم مقصود آیات فوق حداقل تحریف لفظی تورات و انجیل نیست و بیشترین دلالت آیات تحریف، تحریف معنوی بیش نیست؛ و تحریف معنوی به هیچ‌گونه برکاستی و افزایش دلالت ندارد؛ و دلالت آیات تحریف، بر تحریف لفظی صرف یک احتمالی است در کنار سایر احتمالات، بنابراین یک احتمال را نه می‌توان پایه و اساس یک نظریه و تهوری با این مهمی قرارداد. برفرض پذیرش که این آیات بر تحریف لفظی عهدین دلالت دارد، پرسش بعدی از مستدل این خواهد بود که آیا این آیات بر تحریف تفصیلی و کلی آیات عهدین دلالت دارد به این معنی که تمامی مطالب عهدین تحریف یافته است و یا اینکه آیات تحریف، تنها تحریف اجمالی و جزئی تورات و انجیل را بیانگر است؟ پاسخ هرکدام از این دو نوع تحریف باشد بازهم این نظریه خالی از اشکال نیست؛ زیرا تحریف کلی تورات و انجیل با آیاتی که تحت عنوان عهدین در قرآن به‌طور تفصیل بیان گردید ناسازگاری می‌نماید چون در آن آیات که کم هم نیست تورات و انجیل را

^۱. توبه/۱۱۱

نور و هدایت‌گر^۱ معرفی کرده است و در موارد متعدد قرآن اهل کتاب را دعوت به ارجاع تورات و انجیل نموده^۲ و عمل به احکام آن را از آن‌ها خواستار شده است.^۳ و نیز معارف موجود در تورات را (حکم الله) قلمداد نموده^۴ و همچنین انجیل را تصدیق گر تورات^۵ و قرآن و پیامبر اسلام (ص) را تصدیق‌کننده تورات و انجیل^۶ بیان کرده است و از مسلمان‌ها می‌خواهد که به تمامی کتاب‌های آسمانی ایمان داشته باشند، افزون بر آن تورات و انجیل در بعض روایات اسلامی مورد تأیید قرار گرفته است و مطالب زیادی در قرآن و سنت وجود دارد که با عهدین موافقت می‌نماید؛ و مطالب زیادی در عهدین وجود دارد که باروحیه دینی سازگار است بنابراین برخی از تفسیر نگاران به این باورند که تحریف تفصیلی عهدین با آیات فوق ناسازگار است، لذا آن دسته از قرآن‌پژوهانی که آیات تحریف را دلیل و مستند برای تحریف تورات و انجیل قرار می‌دهند آنان ناگزیر هستند از اینکه چشم‌پوشی از نظریه خود بنمایند و از آیات تحریف نتیجه دیگری بگیرند یا اینکه آیات و مستندات که ما پیش‌تر گذراندیم توجیه قابل قبولی بنمایند تا با تحریف تفصیلی و کلی ناسازگاری نداشته باشد؛ اما مقصود از تحریف، تحریف جزئی و اجمالی تورات و انجیل باشد چنانچه برخی از مفسرین بدان قائل شدند، به نظر می‌رسد این سخن نیز خالی از اشکال نیست، زیرا:

اولاً_ تحریف اجمالی با برخی از آیات قرآن ناسازگاری دارد که در آن آیات از اهل کتاب خواسته شده که به آیات تورات و انجیل اطاعت نمایند اما بر اساس نظریه تحریف اجمالی هر آیه‌ای از آن دو کتاب احتمال دارد تحریف شده باشد، پس چه گونه قرآن به‌طور مطلق اهل کتاب را به اطاعت از آن فرامی‌خواند. بایستی صاحبان این دیدگاه میان این دو مطلب سازگاری ایجاد بنمایند.

ثانیاً_ نظریه تحریف اجمالی افزون بر ناسازگاری با تعدادی از آیات قرآن با یافته‌های جدید دانشمندان غربی نیز ناسازگاری می‌نماید چون بر اساس یافته‌های آنان تمامی

۱. مائده/۴۴

۲. آل عمران/۹۳

۳. مائده/۶۸

۴. مائده/۴۳

۵. مائده/۴۶

۶. آل عمران/۳

تورات و انجیل تحریف یافته است؛ اما نظریه تحریف اجمالی تنها تحریف بر بخشی از آیات تورات و انجیل دلالت دارد.

ثالثاً_ چگونه قرآن بخشی از آیات تورات و انجیل را تحریف یافته می‌داند در صورتی که نقد تاریخی کتاب مقدس و تحلیل محتوایی آیات تورات و انجیل بشری بودن این متون و تألیف آن‌ها ده‌ها یا صدها سال پس از وفات موسی و عروج عیسی علیهما السلام را نتیجه می‌دهد.^۱

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب یادشده نتیجه کلی تحقیق مذکور این خواهد شد که آیات تحریف در قرآن به هیچ وجه متعرض و دنبال اثبات این حقیقت نیست که تورات و انجیل تحریف لفظی گشته است یا خیر. تا اینکه ما دنبال این پاسخ باشیم که این تحریف به شکل تفصیلی و کلی بوده باشد یا تحریف اجمالی و جزئی، اثبات این مطلب فرع بر اثبات اصل تحریف لفظی است؛ که ما در این نوشتار منکر آن شده‌ایم. بیشترین دلالتی در این راستا برای آیات تحریف قائل شد این است که برخی از این آیات روشنگر تحریف معنوی تورات و انجیل است؛ و در مجموع ما آیات صریح نه داریم که دلالت بر تحریف اصطلاحی تورات و انجیل را بنمایند، چنانچه بیان گردید آیات تحریف اصلاً در پی اثبات این مطلب نبوده است بلکه برخی از این آیات بیشتر به کارهای روزمره اهل کتاب می‌خورد چون آنان برای اینکه ریاست و مطامع دنیوی را پیش برده باشند و چند صباحی آن را حفظ بنمایند، جعل مطلب می‌کردند و به خدا نسبت می‌دادند و بدین طریق ضعفای قوم را دنبال‌رو خودنمایند؛ و این مطلب ربطی به تحریف لفظی تورات و انجیل ندارد.

۱. مجله پژوهش‌های قرآنی شماره ۳۳، سال نهم بهار ۱۳۸۲.

منابع

قرآن

۱. ابن ابی حاتم عبدالرحمن بن محمد، تفسیرالقرآن العظیم، مکتبه نزار مصطفى الباز، عربستان سعودی، ۱۴۱۹ ق.
۲. ابن جوزی ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، زادالمسیر فی علم التفسیر، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۳. ابن عاشور محمد بن طاهر، التحریر والتنویر، بی جا، بی تا.
۴. ابن کثیر دمشقی اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون بیروت، ۱۴۱۹.
۵. اندلسی ابو حیان محمد بن یوسف، البحرالمحیط فی التفسیر، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۶. آلوسی سید محمود، روح المعانی فی تفسیرالقرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۷. بانوی اصفهانی سید نصرت امین، مخزن العرفان در تفسیرالقرآن، نهضت زنان مسلمان، تهران ۱۳۶۱ ش.
۸. بحرانی سیدهاشم، البرهان فی تفسیرالقرآن، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ ق.
۹. بروجردی سید محمد ابراهیم، تفسیر جامع، انتشارات صدر، تهران، ۱۳۶۶ ش.
۱۰. بیضاوی عبدالله ابن عمر، انوارالتنزیل واسرارالتاویل، دارا حیات التراث العربی بیروت، ۱۴۱۸ ق.
۱۱. بیضاوی عبدالله بن عمر، انوارالتنزیل واسرارالتاویل، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ ق.
۱۲. ثقفی تهرانی محمد، تفسیر روان جاوید، انتشارات برهان، تهران، ۱۳۹۸ ق.
۱۳. جعفری یعقوب، کوثر، انتشارات هجرت، قم، ۱۳۷۶ ش.
۱۴. جوادی آملی، عبد الله، تسنیم، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۷۸ ش.
۱۵. حجازی دکتر احمد، نقد التوراه (اسفار موسی الخمسه) السقاء، دارالجيل، بیروت، ۱۹۹۵ م.

۱۶. حسینی شاه عبدالعظیمی حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، انتشارات میقات، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۱۷. حسینی شیرازی سید محمد، تبیین القرآن، دارالعلوم، بیروت، ۱۴۲۳ ق.
۱۸. حسینی همدانی سید محمدحسین، انوار درخشان، کتاب فروشی لطفی، تهران، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. حقی بروسوی اسماعیل، تفسیر روح البیان، دارالفکر، بیروت، بی تا.
۲۰. خانی رضا/حشمت الله ریاضی، ترجمه بیان السعادة فی مقامات العبادۀ، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۷۲.
۲۱. خیرخواه کامل، پژوهشی در آئین مسیحیت، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۸ ش.
۲۲. دخیل علی بن محمدعلی، الوجیزی تفسیرالکتاب العزیز، دارالتعارف للمطبوعات بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۲۳. ذکاوتی قراگزلو علی رضا، اسباب النزول (ترجمه ذکاوتی) نشر نی، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۲۴. رابرت ای- وان وورست، مسیحیت از لابه لای متون، مترجمان؛ (جواد باغبانی- عباس رسول زاده) مرکز انتشارات موسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۷۴ ش.
۲۵. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
۲۶. زحیلی وهبه بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیدۀ و الشریعۀ و المنهج، دار الفکر المعاصر بیروت، دمشق، ۱۴۱۸.
۲۷. سبزواری نجفی محمد بن حبیب الله، ارشاد الالذهان الی تفسیرالقرآن، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۲۸. سورآبادی ابوبکر عتیق بن محمد، تفسیر سورآبادی، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۲۹. شاذلی سید بن قطب بن ابراهیم، فی ظلال القرآن، دارالشروق بیروت- قاهره ۱۴۱۲
۳۰. شوقی ابراهیم خیرالله، الانجیل الخامس، بیسان للنشر والتوزیع والاعلام، بیروت، ۲۰۰۴ م

۳۱. شوکانی محمد بن علی، فتح القدير، دار ابن كثير، دارالکلم الطيب، دمشق، بيروت، ۱۴۱۴ ق.
۳۲. صادقی تهرانی محمد، الفرقان فی تفسير القرآن بالقرآن، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۶۵ ش.
۳۳. طباطبائی سيد محمد حسين، الميزان فی تفسير القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسين حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۷ ق.
۳۴. طبرسی فضل بن حسن، تفسير جوامع الجامع، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۳۵. طبرسی فضل بن حسن، مجمع البيان، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۳۶. طبری ابوجعفر محمد بن جرير، جامع البيان فی تفسير القرآن، دارلمعرفه، بيروت، ۱۴۱۲ ق.
۳۷. طبری کیا هراسی ابوالحسن علی بن محمد، احکام القرآن (کیا هراسی)، دارالکتب العلمیه، بيروت، ۱۴۰۵ ق.
۳۸. طوسی محمد بن حسن، التبيان فی التفسير القرآن، دار احیاء التراث العربی، بيروت، بی تا.
۳۹. طبیب سيد عبدالحسين، اطيّب البيان فی تفسير القرآن، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۴۰. عاملی ابراهيم، تفسير عاملی، انتشارات صدوق، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۴۱. العبادى ساره بنت حامد محمد، التحريف والتناقض فى الاناجيل الاربعه، دار طيبة الخضراء، مكة المكرمة، ۲۰۰۳ م.
۴۲. عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، تفسير نورالثقلين، انتشارات اسماعيليان، قم، ۱۴۱۵ ق.
۴۳. فخرالدين الرازى ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، دارا حياء التراث العربی، بيروت، ۱۴۲۰ ق.
۴۴. قرشى سيد على اكبر، تفسير احسن الحديث، بنياد بعثت، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۴۵. قمی علی بن ابراهيم، تفسير قمی، دارالكتاب، قم، ۱۳۶۷ ش.

۴۶. قمی مشهدی محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۴۷. کاشانی ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کتاب فروشی محمد حسن علمی، تهران ۱۳۳۶ ش.
۴۸. کاشانی ملا فتح الله، زبدۃ التفاسیر، بنیاد معارف اسلامی، قم، ۱۴۲۳ ق.
۴۹. کلباسی اشتری حسین، مدخلی بر تبارشناسی کتاب مقدس، سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۵۰. گروهی از مؤلفان، کتاب های از عهد عتیق، ترجمه، پیروز سیار، نشر نی تهران، ۱۳۸۰ ش.
۵۱. گنابادی سلطان محمد، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العبادۀ، مؤسسه الا علمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۵۲. مترجمان، تفسیر هدایت، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۷.
۵۳. مجله پژوهش های قرآنی شماره ۳۳ (مقاله = بهرامی محمد) صاحب امتیاز دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، سال نهم بهار ۱۳۸۲
۵۴. المجید ابن عجیبه احمد بن محمد، البحر الممدید فی تفسیر القرآن، ناشر دکتر حسن عباس زکی، قاهره، ۱۴۱۹ ق
۵۵. مدرسی سید محمد تقی، من هدی القرآن، دارمحبی الحسین، تهران، ۱۴۱۹ ق.
۵۶. مراغی احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۵۷. مصطفوی حسن، تفسیر روشن، مرکز نشر کتاب، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۵۸. مغنیه محمد جواد، التفسیر المبین، بنیاد بعثت، قم، بی تا.
۵۹. مغنیه محمد جواد، تفسیر الکاشف، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۲۴ ق.
۶۰. مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۶۱. موسوی سبزواری سید عبدالاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، مؤسسه اهل البيت (علیهم السلام)، بیروت، ۱۴۰۹ ق.

۶۲. میرحسینی خاتون آبادی محمدباقر بن اسماعیل، ترجمه انجیل اربعه، به کوشش رسول جعفریان، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۶۳. میرزا خسروانی علی رضا، تفسیر خسروی، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۹۰ ق.
۶۴. نیشابوری نظام الدین حسن بن محمد، دارالکتب العلمیه تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت، ۱۴۱۶ ق.
۶۵. هاکس، قاموس کتاب مقدس، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۶۶. هدیدی بغدادی محمد، التفسیر المعین للواعظین، انتشارات ذوی القربی، قم، بی تا.